

### بیانات در دیدار جمعی از فرماندهان نیروی انتظامی / ۱۳۷۰/۱۱/۰۲

فراموش نکنید که معیار، جامعه‌ی اسلامی و انقلابی است. اگر جامعه‌ی اسلامی و انقلابی نیست، نیروی انتظامی حساسیتهای مناسب آن جامعه را دارد؛ اما در جامعه‌ای که معیار و ملاک اسلام است، حساسیت نیروی انتظامی باید متناسب با آن چیزی باشد که در این جامعه مورد نظر است. حساسیتهای این جامعه چه چیزهایی است؟ حفظ و حراست و عمل برطبق این حساسیتهای، بدون هیچ ملاحظه‌ی، به شما که نیروی انتظامی هستید، برمی‌گردد. این کار سخت و سنگینی است، اما کار بسیار موثری است.

ناامنی فقط به این نیست که دزد به خانه‌ها یا مغازه‌ها یا بازار یا خیابان بیاید این یک طور ناامنی است؛ ناامنی مالی است ما ناامنی عرضی و ناموسی هم داریم؛ جلوی آن را هم شما باید بگیرید. ناامنی اخلاقی هم داریم؛ در آنجا هم شما باید وارد میدان بشوید. البته ناامنی اخلاقی، یک مرحله‌ی کار فرهنگی دارد، یک مرحله‌ی کار مخفی دارد، یک مرحله‌ی ریشه‌یابی دارد؛ آن‌ها کار دستگاه‌های دیگر است؛ اما آنجایی که جلوی چشم قرار می‌گیرد و موجب عدم امنیت اخلاقی جامعه می‌شود، آنکه باید وارد میدان بشود، نیروی انتظامی است.

### بیانات در اجتماع زنان خوزستان / ۱۳۷۵/۱۲/۲۰

زنان می‌توانند تحصیلات عالی‌هنگام کنند. بعضیها خیال می‌کنند که دختران نباید تحصیل کنند. این، اشتباه و خطاست. دختران باید در رشته‌هایی که برای آن‌ها مفید است و به آن علاقه و شوق دارند، تحصیل کنند. جامعه، به تحصیلات دختران هم نیازمند است؛ همچنان که به تحصیلات پسران نیازمند است. البته محیط تحصیل باید سالم باشد؛ هم برای پسر و هم برای دختر. دانشگاه باید برای فرزندان مردم امنیت داشته باشد؛ چه دختر و چه پسر. کوچه و خیابان باید از لحاظ ناموسی و اخلاقی امنیت داشته باشد؛ چه برای دختران و چه برای پسران؛ فرق نمی‌کند. در صورتی که این امنیت حاصل شود، آن وقت در محیط امن، در کوچه و بازار امن، در دانشگاه امن، در دبیرستان امن که امنیت اخلاقی و فکری تامین شده است- و مسئولان و پدران و مادران باید آن را تامین کنند- دختر مسلمان، پسر مسلمان، مرد مسلمان، زن مسلمان می‌توانند فعالیت خودشان را بکنند.

برای اینکه آن اختلاطی که قبلاً گفتم، پیش نیاید و حدود اخلاقی حفظ شود، اسلام برای زن حجاب را معین کرده است. خود این حجاب، یکی از وسایل امنیت است. با حجاب زن مسلمان، هم خود زن مسلمان امنیت پیدا می‌کند و هم مردان مسلمان امنیت پیدا می‌کنند. آن جایی که حجاب را از زنان دور می‌کنند، آن جایی که زن را به برهنگی نزدیک می‌کنند، در درجه‌ی اول، امنیت از خود زن و در درجه‌ی بعد، از مردان و جوانان گرفته خواهد شد. برای اینکه محیط سالم و دارای امنیت باشد؛ زن بتواند کار خود را در جامعه انجام دهد، مرد هم بتواند مسئولیتهای خود را انجام دهد، اسلام حجاب را معین کرده است که این حجاب، یکی از آن احکام برجسته‌ی اسلام است و یکی از فوایدش همین است که گفتم. فواید فراوان دیگری هم دارد که در بخش بعد، اگر به یاد آمد و فرصت شد، اشاره‌ای خواهم کرد.

### بیانات در دیدار مسئولان دستگاه قضایی / ۱۳۸۲/۰۴/۰۷

مسئله‌ی امنیت قضائی هم که در برخورد و مراجعه و مواجهه با دستگاه قضا، مردم احساس امنیت کنند، بسیار مهم است. این نگاه بسیار دقیق و حساس و جستجوگر را در درون قوه‌ی قضائیه می‌طلبید. بحمد الله ما در قوه‌ی قضائیه، قضات پاک‌دامن، شریف، دانا، مسلط بر کار و باوجدان خیلی داریم. الحمد لله بدنه‌ی قوه‌ی قضائیه، بدنه‌ی بسیار خوبی است؛ منتها در هر مجموعه‌ای باید همیشه انسان این‌بیم را داشته باشد که آدم‌های سست بنیاد، سست عقیده و سست عمل حضور دارند. از این احتمال نباید صرف‌نظر کرد؛ باید دائم مثل دوربینی که با نورافکن محوطه‌ای را جستجو می‌کند، چشمهای جستجوگر مسئولان عالی قوه، به‌طور دائم در داخل قوه‌ی قضائیه جستجو کند؛ آن‌گاه امنیت قضائی به معنای واقعی کلمه به وجود آید. اگر امنیت قضائی به وجود آمد، امنیت سیاسی، امنیت اجتماعی، امنیت اقتصادی و امنیت فرهنگی هم به وجود خواهد آمد. ملاحظه می‌کنید امروز دشمنان، امنیت اجتماعی و مدنی ما را هدف قرار داده‌اند؛ این چیزی است که به‌طور واضح و جلو چشم، همه می‌بینند و مشاهده می‌کنند. دشمنانی که با اساس جمهوری اسلامی مخالفند، امروز بهترین راه اعمال مخالفت خود را در این پیدا کرده‌اند که امنیت کشور را به خطر بیندازند. علاوه بر امنیت اخلاقی و فرهنگی که چند سال است دشمن روی آن با شدت کار می‌کند- که مکرر به عنوان هشدار به مسئولان، تهاجم فرهنگی دشمن را یادآور شده‌ایم- و علاوه بر امنیت سیاسی که دشمن در حرکت سیاسی کلان نظام می‌خواهد اختلالاتی ایجاد نماید، امروز درصد است امنیت اجتماعی و مدنی مردم را از بین ببرد.

### بیانات در مراسم مشترک یگان‌های نظامی استان کرمان / ۱۳۸۴/۰۲/۱۵

یک بخش دیگر، امنیت فرهنگی و امنیت اخلاقی است. مردم به جوانان و به فرزندان خود علاقه‌مندند و از اینکه آن‌ها دچار اعتیاد بشوند، دچار فساد اخلاق بشوند، دچار وسوسه‌هایی بشوند که آن‌ها را از مسیر درست زندگی دور بیندازد، نگرانند؛ این نگرانی و دغدغه را چه کسی برطرف می‌کند؟ چه چیزی برطرف می‌کند؟ امنیت فرهنگی. امنیت فرهنگی را هم در بخش عظیمی، نیروهای بسیج، نیروهای مومن، جان بر کف، تامین می‌کنند.

### بیانات در دیدار خانواده‌ی شهدای هفتم تیر و مسئولان قوه قضائیه / ۱۳۸۶/۰۴/۰۷

دادن امنیت به مردم یک پایه‌ی مهمش روی دوش قوه‌ی قضائیه است. چه امنیت اجتماعی، چه امنیت اقتصادی، چه امنیت اخلاقی، چه امنیت حیثیتی. درست است که دستگاه‌های گوناگون اجرائی هرکدام به نحوی در این کارها با قوه‌ی قضائیه شریکند- مثلاً در امنیت اجتماعی، دستگاه‌های انتظامی با قوه‌ی قضائیه شریکند و باید استقرار امنیت کنند- اما نقش قوه‌ی قضائیه در اینجا چیست؟ این است که آن کسی که متجاوز است، از سوی قوه‌ی قضائیه آن‌چنان با او برخورد شود که مایه‌ی عبرت شود. یا درست است که مسئولان استقرار امنیت اقتصادی غالباً در دستگاه‌های اجرائی‌اند- وزارتخانه‌های اقتصادی و دستگاه‌های پولی و بانکی- و این‌ها مسئولند؛ اما نقش قوه‌ی قضائیه این است که اگر در مجموعه‌ی این عملکردها و تعامل این دستگاه‌ها با مردم، مفسد اقتصادی به وجود آمد، قوه‌ی قضائیه آن‌چنان با او برخورد کند که برخوردش موجب عبرت برای کسانی باشد که دستگاه اقتصادی را به فساد می‌کشاند. این، خود یک عامل مهم در ایجاد امنیت اقتصادی است.

بعضی خیال می‌کنند- یا این‌چنین وانمود می‌کنند که خیال کرده‌اند- که برخورد با مفسد اقتصادی، محل امنیت اقتصادی است. این عکس قضیه است؛ این درست نقطه‌ی مقابل حقیقت است. برخورد با مفسد اقتصادی موجب امنیت اقتصادی است برای غیر مفسد. غیر مفسد کیست؟ اکثریت مردم. مفسد اقتصادی تعداد معدودی هستند؛ سواستفاده‌چی‌ها. با این‌ها برخورد سخت بشود تا اکثر مردم، اکثر فعالان صحنه‌ی اجتماع که در امر اقتصادی کار می‌کنند، احساس کنند دارای امنیتند و راه صحیح آن راهی است که آن‌ها پیش گرفته‌اند.

امنیت اخلاقی در جامعه، امنیت فرهنگی و امنیت حیثیتی هم همین‌طور است. در جامعه‌ی اسلامی، حیثیت افراد نباید مورد تلاعب دست افرادی قرار بگیرد که هیچ احساس مسئولیتی نمی‌کنند. دستگاه‌ها باید برخورد کنند. آبروی افراد را بردن، اتهام به افراد وارد کردن، اشخاص را بدون دلیل- از مسئول و غیر مسئول- زیر سوال بردن، در باره‌ی آن‌ها شایعه ایجاد کردن، چیزی است برخلاف احکام اسلامی؛ برخلاف شرع اسلامی است؛ برخلاف رویه‌ی اسلامی است. فرض بفرمائید به یک نفر تهمت سواستفاده‌ی مالی بزنند، که تا او بیاید ثابت بکند چنین چیزی نبوده، زمان زیادی صرف خواهد شد. این چیزها؛ امنیت حیثیتی در جامعه‌ی اسلامی، امنیت آبرویی، مسئله‌ی مهمی است و باید به آن توجه بشود. قوه‌ی قضائیه در این زمینه و در استقرار این امنیت نقش دارد.

### بیانات در دیدار اعضای هیات دولت و مدیران اجرایی کشور / ۱۳۸۶/۰۴/۰۹

امروز یکی از سیاستهای رائج و متداول در دست و بال شبکه‌ی خطرناک صهیونیستی دنیا و عوامل دولتی‌شان در کشورهای مختلف این است که جوانها را، بخصوص در کشورهای اسلامی و بخصوص در کشورهایی که ممکن است در مقابل آنها به عنوان یک رقیب علمی یا رقیب سیاسی قد علم کنند و منافع آنها را به خطر بیندازند، از نگاه جدی به زندگی بازدارند. آنها می‌خواهند این جوانها را ضایع کنند؛ آنها برای این کار برنامه‌ریزی کرده‌اند. مقابله‌ی با این برنامه‌ریزی علاوه بر اینکه یک وظیفه است، یک حرکت شجاعانه‌ی سیاسی است؛ لذا بخشهای مربوط به امور دینی، وزارت ارشاد، کارهای علمی، بخشهای وزارت آموزش و پرورش و آموزش عالی و آموزش پزشکی، جزو بخشهای بسیار حساس در برنامه‌ریزی‌های کلان دولت محسوب می‌شوند و وظائف بزرگی را بر دوش دارند. همین مسئله‌ی امنیت اخلاقی که این روزها نیروی انتظامی و وزارت کشور دنبالش هستند، بسیار مسئله‌ی مهمی است. بله، جنجال می‌کنند- مثل همان قضیه‌ی بنزین و مثل خیلی از قضایای دیگر- ولی به این جنجالها نباید توجه بکنند؛ باید ببینند تکلیف چیست، آن را انجام بدهند.

### بیانات در هفدهمین دوره‌ی دانش‌آموختگی دانشجویان دانشگاه علوم انتظامی / ۱۳۸۶/۰۸/۱۶

نیروی انتظامی ما امروز با سالهای گذشته تفاوت‌های زیادی کرده؛ با دوره‌ی طاغوت- که ما یادمان هست؛ شماها آنوقت در دنیا نبودید- از زمین تا آسمان تفاوت کرده. روزی بود که مسئولان انتظامی در این کشور غالباً جز ایجاد رعب و وحشت و دلخوری برای مردم، کاری نمی‌کردند؛ امروز نیروی انتظامی برای مردم است، در کنار مردم است، پشتیبان مردم است؛ مردم اعتماد پیدا کرده‌اند. شما وقتی در میدان هستید، کار خودتان را خوب انجام می‌دهید، آن چیزهایی را که مردم به عنوان مسائلشان در جامعه از لحاظ نظم و انضباط و امنیت مطرح است، وجهی همت قرار می‌دهید، مردم به شما اطمینان پیدا می‌کنند؛ احساس دلگرمی می‌کنند؛ به شما محبت می‌ورزند؛ به شما افتخار می‌کنند. در این برنامه‌های امنیت روانی و اخلاقی و اجتماعی که در این مدت نیروی انتظامی در مواجهه با اشرار و بقیه‌ی اخلاک‌گران در امنیت روانی و اجتماعی جامعه اقدام کرد، مردم هرجا موفقیتی از شما سر زد و دیدند، احساس موفقیت برای خودشان کردند؛ احساس افتخار کردند. من نمی‌توانم ادعا کنم که امروز نیروی انتظامی از همه جهت متناسب با آن چیزی است که انتظار جامعه‌ی اسلامی است؛ ولی می‌توانم ادعا کنم که این راهی که شما پیمودید تا به این نقطه‌ای که امروز هستید، رسیدید، راه بسیار طولانی و پرتلاش و افتخارآمیز بوده، که باید ادامه دهید.

### بیانات در دیدار مردم بزد / ۱۳۸۶/۱۰/۱۳

بشر سعادت‌مندکاش به این نیست که دانش او پیشرفت کند- دانش ابزار سعادت است- سعادت بشر به آسایش فکر است، به آسایش روح است، به زندگی بی‌دغدغه است، به زندگی همراه با امنیت اخلاقی و معنوی و مادی است، به احساس عدالت در جامعه است. این را غرب ندارد؛ نه اینکه ندارد، روز به روز هم از او دارد دورتر می‌شود. ما این را برای نشان دادن به دنیا به عنوان آرمان خودمان ترسیم کردیم؛ ما نکردیم، خدا کرد. ملت ایران به اقتضای ایمان خود به این راه، دنیا این راه افتاد. برادران و خواهران عزیز من! مردم عزیز بزد! ملت عزیز ایران! اگر بخواهیم به آن آرمان برسیم، احتیاج دارد به اعتماد به نفس. باید بگوئیم می‌توانیم؛ همچنانی که تا امروز آن کارهایی را که اراده‌ی ملی به آن تعلق گرفت، توانستیم انجام بدهیم. مگر شوخی بود در یک کشوری که زیر فشار استکبار و استعمار است، فاسدترین حکومت‌های جهان بر آن حکومت می‌کند و شرق و غرب عالم، منافعشان را در حکومت آن خاندان منحوس می‌بینند. این خاندان را به زیر کشیدند؛ بنیاد پوشالی حکومت سلطنتی موروثی را بکلی از بین بردند؛ یک نظام مردمی، متکی به آرا ملت، متکی به عواطف مردم، در یک چنین کشور استبدادزده‌ی در طول قرنهای متمادی به وجود آوردند؛ این کار شوخی است؟! این کار را ملت ایران کرد. امروز در این منطقه، هیچ کشوری از لحاظ اتکا به آرا و عواطف مردم، به جمهوری اسلامی نمی‌رسد.

### بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی / ۱۳۸۷/۰۱/۰۱

کشور باید پیشرفت کند؛ پیشرفت در همه‌ی بخشها؛ پیشرفت در تولید ثروت، پیشرفت در افزایش بهره‌وری، پیشرفت در عزم و اراده‌ی ملی، پیشرفت در اتحاد ملی و نزدیکی قشرهای مختلف به یکدیگر، پیشرفت در دستاوردهای علم و فناوری، پیشرفت در اخلاق و در معنویت، پیشرفت در کم کردن فاصله‌ی طبقاتی، در رفاه عمومی، در انضباط اجتماعی، در بوجود آمدن وجدان کاری در یکایک آحاد ما مردم، پیشرفت در امنیت اخلاقی، پیشرفت در آگاهی و رشد سیاسی، پیشرفت در اعتمادبه‌نفس ملی- که من چند ماه قبل مسئله‌ی اعتمادبه‌نفس ملی را اعلام کردم؛ ملت باید به خود اعتماد داشته باشند و بدانند که می‌توانند؛ درست نقطه‌ی مقابل آن چیزی که دشمنان این ملت در طول سالهای متمادی خواستند به ما تلقین کنند و بگویند و ثابت کنند که نمی‌توانید- پیشرفت در همه‌ی این زمینه‌ها لازم است؛ اما همه‌ی این پیشرفتها باید در سایه‌ی عدالت و در کنار تامین عدالت باشد.

### بیانات در دیدار زائران و مجاوران بارگاه حضرت علی‌بن‌موسی الرضا / ۱۳۸۸/۰۱/۰۱

مقصود ما از پیشرفت چیست؟ پیشرفت در یک جهت محض نیست. مقصود از پیشرفت، پیشرفت همه‌جانبه است. از همه‌ی ابعاد در کشور، این ملت، شایسته و سزاوار پیشرفت است؛ پیشرفت در تولید ثروت ملی، پیشرفت در دانش و فناوری، پیشرفت در اقتدار ملی و عزت بین‌المللی، پیشرفت در اخلاق و در معنویت، پیشرفت در امنیت کشور- هم امنیت اجتماعی، هم امنیت اخلاقی برای مردم- پیشرفت در ارتقای بهره‌وری، ارتقای بهره‌وری معنایش این است که ما بتوانیم از آنچه که داریم، بهترین استفاده را بکنیم. از نفت موجود، از گاز موجود، از کارخانه‌ی موجود، از راه موجود و از آنچه که در اختیار هست، بیشترین و بهترین استفاده را بکنیم. همچنین پیشرفت در قانون‌گرایی و انضباط اجتماعی؛ که اگر ملتی دچار بی‌قانونی بشود، قانون‌شکنی بر ذهن و عمل مردم حاکم بشود، هیچ پیشرفت معقول و درستی نصیب آن ملت و کشور نخواهد شد.

### دیدار وزیر کشور و جمعی از فرماندهان نیروی انتظامی با رهبر انقلاب / ۱۳۹۰/۰۲/۰۴

امنیت اخلاقی در جامعه به معنای آن است که مردم دغدغه‌های درخصوص احتمال انحراف اخلاقی فرزندان خود در جامعه نداشته باشند.

### بیانات در دیدار جمعی از اساتید دانشگاه‌ها / ۱۳۹۰/۰۶/۰۳

اگر دانشگاه ما یک دانشگاه علمی محض باشد، اما تویش دین و اخلاق نباشد، همان بلایی بر سر جامعه‌ی ما و کشور ما و آینده‌ی ما خواهد آمد که بر سر جامعه‌ی دانشمند غرب آمد. غرب جامعه‌ی دانشمندی است، اما جامعه‌ی خوشبختی نیست. در آنجا امنیت اخلاقی نیست، امنیت روانی نیست، انسجام خانوادگی نیست، اخلاق نیست، معنویت نیست، خلاهای عمده‌ی بشر اینهاست. اینها خوشبختی نیست؛ ما این را نمی‌خواهیم. ما خوشبختی می‌خواهیم، ما امنیت حقیقی و معنوی می‌خواهیم. بدون علم نمی‌شود، با علم بدون دین هم نمی‌شود؛ دین لازم است. جامعه باید جامعه‌ی دینی باشد؛ در راس آن هم دانشگاه است. دانشگاه باید دانشگاه متدین باشد. در مفهوم «متدین» از عرایض من تلقی غلط نشود. تدین به معنای معرفت عمیق دینی، ایمان عمیق و باور ژرف به دین و معارف دینی است، که طبعاً عمل به دنبالش می‌آید؛ باید دنبال این باشیم. این وظیفه‌ی همه است، از جمله شما اساتید محترم. یک کلمه‌ی شما در کلاس درس، گاهی اوقات از یک ساعت یا دو ساعت سخنرانی حقیر روحانی تأثیرش بیشتر است. فرق نمیکند معلم، معلم چه درسی باشد. استاد در کلاس میتواند

تأثیر عمیق بگذارد در شکل‌دهی فکر جوان و ذهن جوان و عمل جوان و دل جوان و ایمان جوان. به این بیندیشید، به این فکر کنید؛ این خیلی مهم است.

### بیانات در سومین نشست اندیشه‌های راهبردی / ۱۳۹۰/۱۰/۱۲

به نظر من خیلی از این مشکلات مربوط به بانوان، ناشی است از مشکلات حیات جمعی خانواده، به حیثی که زن در آن محور است. ما خلاهای قانونی و عادت‌های سنتی عجیب و فراوانی داریم. گاهی اوقات خانم‌هایی با ما تماس میگیرند - یا از مجلس، یا از حوزه، یا از مراجعات گوناگون مردمی، یا از مراکز دیگر - و مشکلاتشان را میگویند؛ این مشکلات عمدتاً مربوط میشود به مشکلات داخل خانواده. اگر زن داخل خانواده امنیت روانی داشته باشد، امنیت اخلاقی داشته باشد، آسایش داشته باشد، سکن داشته باشد، حقیقتاً شوهر برای او لباس محسوب شود - همچنان که او لباس شوهر است - و همچنان که قرآن خواسته، مودت و رحمت بین اینها باشد، و اگر «و لهن مثل الذی علیهن» در خانواده رعایت شود - این چیزهایی که اصول کلی و اساسی است - آنگاه مشکلات بیرون خانواده برای زن قابل تحمل خواهد شد؛ اصلاً بر اینها فائق می‌آید. اگر زن در آسایشگاه خود، در سنگر اصلی خود، بتواند مشکلات خودش را کاهش بدهد، بلاشک در عرصه اجتماع هم خواهد توانست.

### بیانات در دیدار جوانان استان خراسان شمالی / ۱۳۹۱/۰۷/۲۲

یکی از ابعاد پیشرفت با مفهوم اسلامی عبارت است از سبک زندگی کردن، رفتار اجتماعی، شیوه‌ی زیستن - اینها عبارتهای دیگری است - این یک بعد مهم است؛ این موضوع را میخواهیم امروز یک قدری بحث کنیم. ما اگر از منظر معنویت نگاه کنیم - که هدف انسان، رستگاری و فلاح و نجات است - باید به سبک زندگی اهمیت دهیم؛ اگر به معنویت و رستگاری معنوی اعتقادی هم نداشته باشیم، برای زندگی راحت، زندگی برخوردار از امنیت روانی و اخلاقی، باز پرداختن به سبک زندگی مهم است. بنابراین مسئله، مسئله‌ی اساسی و مهمی است. بحث کنیم درباره‌ی اینکه در زمینه‌ی سبک زندگی چه باید گفت، چه میتوان گفت. عرض کردیم؛ این سرآغاز و سرفصل یک بحث است.

ما اگر پیشرفت همه‌جانبه را به معنای تمدن‌سازی نوین اسلامی بگیریم - بالاخره یک مصداق عینی و خارجی برای پیشرفت با مفهوم اسلامی وجود دارد؛ اینجور بگوئیم که هدف ملت ایران و هدف انقلاب اسلامی، ایجاد یک تمدن نوین اسلامی است؛ این محاسبه‌ی درستی است - این تمدن نوین دو بخش دارد؛ یک بخش، بخش ایزاری است؛ یک بخش دیگر، بخش متنی و اصلی و اساسی است. به هر دو بخش باید رسید.

آن بخش ایزاری چیست؟ بخش ایزاری عبارت است از همین ارزشهایی که ما امروز به عنوان پیشرفت کشور مطرح میکنیم؛ علم، اختراع، صنعت، سیاست، اقتصاد، اقتدار سیاسی و نظامی، اعتبار بین‌المللی، تبلیغ و ابزارهای تبلیغ؛ اینها همه بخش ایزاری تمدن است؛ وسیله است. البته ما در این بخش در کشور پیشرفت خوبی داشته‌ایم. کارهای زیاد و خوبی شده است؛ هم در زمینه‌ی سیاست، هم در زمینه‌ی مسائل علمی، هم در زمینه‌ی مسائل اجتماعی، هم در زمینه‌ی اختراعات - که شما حالا اینجا نمونه‌اش را ملاحظه کردید و این جوان عزیز برای ما شرح دادند - و از این قبیل، الی ماشاءالله در سرتاسر کشور انجام گرفته است. در بخش ایزاری، علی‌رغم فشارها و تهدیدها و تحریمها و این چیزها، پیشرفت کشور خوب بوده است.

اما بخش حقیقی، آن چیزهایی است که متن زندگی ما را تشکیل میدهد؛ که همان سبک زندگی است که عرض کردیم. این، بخش حقیقی و اصلی تمدن است؛ مثل مسئله‌ی خانواده، سبک ازدواج، نوع مسکن، نوع لباس، الگوی مصرف، نوع خوراک، نوع آشپزی، تفریحات، مسئله‌ی خط، مسئله‌ی زبان، مسئله‌ی کسب و کار، رفتار ما در محل کار، رفتار ما در دانشگاه، رفتار ما در مدرسه، رفتار ما در فعالیت سیاسی، رفتار ما در ورزش، رفتار ما در رسانه‌ای که در اختیار ماست، رفتار ما با پدر و مادر، رفتار ما با همسر، رفتار ما با فرزند، رفتار ما با رئیس، رفتار ما با مرنوس، رفتار ما با پلیس، رفتار ما با مامور دولت، سفرهای ما، نظافت و طهارت ما، رفتار ما با دوست، رفتار ما با دشمن، رفتار ما با بیگانه؛ اینها آن بخشهای اصلی تمدن است، که متن زندگی انسان است.

تمدن نوین اسلامی - آن چیزی که ما میخواهیم عرضه کنیم - در بخش اصلی، از این چیزها تشکیل میشود؛ اینها متن زندگی است؛ این همان چیزی است که در اصطلاح اسلامی به آن میگویند: عقل معاش. عقل معاش، فقط به معنای پول در آوردن و پول خرج کردن نیست، که چگونه پول در بیاوریم، چگونه پول خرج کنیم؛ نه، همه‌ی این عرصه‌ی وسیعی که گفته شد، جزو عقل معاش است. در کتب حدیثی اصیل و مهم ما ابوابی وجود دارد به نام «کتاب‌العشره»؛ آن کتاب‌العشره درباره‌ی همین چیزهاست. در خود قرآن کریم آیات فراوانی وجود دارد که ناظر به این چیزهاست.

خب، میشود این بخش را به منزله‌ی بخش نرم‌افزاری تمدن به حساب آورد؛ و آن بخش اول را، بخشهای سخت‌افزاری به حساب آورد. اگر ما در این بخشی که متن زندگی است، پیشرفت نکنیم، همه‌ی پیشرفتهائی که در بخش اول کردیم، نمیتواند ما را رستگار کند؛ نمیتواند به ما امنیت و آرامش روانی ببخشد؛ همچنان که می‌بینید در دنیای غرب نتوانسته، در آنجا افسردگی هست، ناامیدی هست، از درون به هم ریختن هست، عدم امنیت انسانها در اجتماع و در خانواده هست، بی‌هدفی و بوجی هست؛ با اینکه ثروت هست، بمب اتم هست، پیشرفتهای گوناگون علمی هست، قدرت نظامی هم هست. اصل قضیه این است که ما بتوانیم متن زندگی را، این بخش اصلی تمدن را اصلاح کنیم. البته در انقلاب، در این بخش، پیشرفت ما چشمگیر نیست؛ در این زمینه، ما مثل بخش اول حرکت نکردیم، پیشرفت نکردیم. خب، باید آسیب‌شناسی کنیم؛ چرا ما در این بخش پیشرفت نکردیم؟

### بیانات در دیدار مردم آذربایجان / ۱۳۹۱/۱۱/۲۸

قضیه‌ای در مجلس پیش آمد؛ قضیه‌ی بدی بود، قضیه‌ی نامناسبی بود؛ هم ملت را ناراحت کرد، هم نخبگان را ناراحت کرد. بنده‌ی حقیر هم از دو جهت ناراحت شدم: هم خودم در مقابل این قضایا احساس تأثر میکنم؛ هم به خاطر ناراحتی مردم، انسان احساس تأثر میکند. خب، رئیس یک قوه به استناد یک اتهام ثابت نشده و مطرح نشده‌ای در دادگاه، دو قوه‌ی دیگر را متهم کرد؛ این کار بدی بود، این کار نامناسبی بود؛ اینجور کارها، هم خلاف شرع است، هم خلاف قانون است، هم خلاف اخلاق است، هم تضییع حقوق اساسی مردم است. یکی از حقوق اساسی مهم مردم این است که در آرامش روانی و در امنیت روانی زندگی کنند؛ در کشور امنیت اخلاقی برقرار باشد. اگر یک فردی متهم به فساد است، نمی‌شود به خاطر او انسان دیگران را متهم کند؛ حتی اگر ثابت هم میشد، چه برسد به اینکه ثابت نشده است، دادگاهی نرفته، محاکمه‌ای نشده. به استناد متهم کردن یک نفر، انسان نباید دیگران را، مجلس را، قوه‌ی قضائیه را متهم کند؛ این کار درست نیست، این کار غلط است. بنده فعلاً نصیحت میکنم. این کار، کار شایسته‌ای برای نظام جمهوری اسلامی نیست. آن طرف قضیه هم، اصل این استیضاحی که در مجلس انجام گرفت، غلط بود. خب، استیضاح باید یک فایده‌ای داشته باشد. چند ماه به پایان کار دولت، استیضاح یک وزیر، آن هم باز با یک علت و دلیلی که مربوط به خود آن وزیر نیست، چه معنی دارد؟ چرا؟ این هم غلط بود. این هم که شنیدیم در داخل مجلس کسانی حرفهای نامناسبی بر زبان آوردند، این هم غلط است. همه‌ی این قضایا، قضایای نامتناسبی است با نظام جمهوری اسلامی؛ نه آن متهم کردن، نه آن برخورد کردن، نه آن استیضاح. دفاعی هم که رئیس محترم قوه از خودش کرد، آن هم یک قدری زیاده‌روی بود؛ لزومی نداشت.

وقتی ما همه با هم برادریم، وقتی دشمن مشترک جلوی روی ما هست، وقتی توطئه را می‌بینیم، چه کار باید بکنیم؟ تا امروز مسئولین در مقابل توطئه‌های دشمن همیشه کنار هم ایستاده‌اند، حالا هم باید همین جور باشد، همیشه هم باید همین جور باشد.

### بیانات در دیدار معلمان و فرهنگیان سراسر کشور / ۱۳۹۲/۰۲/۱۷

هدفی که ما برای جمهوری اسلامی، بر اساس آموخته‌های عمومی انقلاب در نظر گرفتیم آن هدف، هدف خیلی والایی است. هدف، ایجاد یک جامعه‌ی نمونه است. شما میخواهید در محدوده‌ی ایران عزیز - که از لحاظ جغرافیایی در یک نقطه‌ی بسیار حساسی از دنیا هم واقع شده است - یک جامعه‌ی بسازید که به برکت اسلام و زیر پرچم قرآن، الگو باشد؛ هم الگو از لحاظ مادی و پیشرفتهای مادی، هم در عین حال الگو از لحاظ معنویت و از لحاظ اخلاق. غربی‌ها در زمینه‌ی

مادی یک جستی زدند، در یک دورانی جهشی کردند؛ اما این جهش جدا و مابین و معارض با حرکت اخلاقی بود؛ یک جهش صددرصد مادی بود. اول کسی نفهمید چه اتفاقی افتاد، اما حالا دارند میفهمند، دارند خسارتهای غیرقابل جبران آن را یواش یواش احساس میکنند. کسی خیال نکند یک تمدن مادی محض و دور از معنویت خواهد توانست آب خوش از گلوئی مردم خود فرو ببرد؛ نخیر، پدرشان در می‌آید؛ همین حالا دارد پدرشان در می‌آید. نه به‌خاطر این تظاهرات در خیابانهای اروپا و مانند اینها؛ نه، گرفتاری برای غرب عمیق‌تر از این حرفها است. آنچه برای بشر در درجهی اول لازم است، امنیت روحی است، امنیت اخلاقی است، امنیت وجدانی است، رضایت وجدان است؛ در محیطهای غربی این نیست و بدتر از این خواهد شد. اگر با حرفهای این نویسندگان و منتقدان و متفکرانشان آشنا باشید، می‌بینید مدتها است، چندین سال است که صدایشان در آمده است؛ گوشه‌های فاسدشده و رو به افزایش فساد در جامعه‌شان را دارند نشان میدهند؛ زندگی مادی این‌جوری است. بله، از لحاظ علم و پیشرفتهای فناوری و این چیزها پیش رفته‌اند، کارهای بزرگی انجام داده‌اند؛ اما آنطرف قضیه، زمین ماند و همین زمینشان میزند. آن جامعه‌ای مورد نظر اسلام است که از لحاظ مادی، یعنی از لحاظ ثروت، از لحاظ علم، از لحاظ سطح زندگی، در سطح بالایی باشد؛ از لحاظ اخلاق و معنویت هم در آن سطح و یا بالاتر از آن سطح باشد. این میشود جامعهی اسلامی؛ شما میخواهید این را درست کنید؛ این راه خیلی طولانی در پیش دارد، و این شدنی است، کسی نگوید نمیشود؛ چرا، خیلی چیزها را خیال میکردند نمیشود، شد.

#### انتصاب سردار سرتیپ اشتری به فرماندهی نیروی انتظامی / ۱۳۹۳/۱۲/۱۸

لازم است اقدامات شایسته دوران تصدی سردار سرتیپ احمدی‌مقدم نظیر؛ ارتقا فضای اسلامی و انقلابی ناجا، صیانت از کارکنان خدوم و توجه جدی به معیشت آنان، تقویت مرزبانی و کاهش تخلفات جاده‌ای تداوم یابد و رعایتهای دقیق در بهبود خدمات انتظامی و برنامه‌ریزی مستمر و ابتکار عمل لازم در برقراری امنیت و آرامش اخلاقی و اجتماعی، دنبال شود.

از قوای سه‌گانه، بویژه وزارت کشور، دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی، صدا و سیما، ستاد کل نیروهای مسلح و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، انتظار می‌رود که در شرایط حساس کنونی، حمایت‌های لازم از نیروی انتظامی را در ابعاد مادی و معنوی، به عمل آورند.

#### بیانات در دیدار فرماندهان نیروی انتظامی جمهوری اسلامی / ۱۳۹۴/۰۲/۰۶

یک مسئله مهم [دیگری] که وجود دارد - که بنده بارها تکرار کرده‌ام - مسئله‌ی اقتدار نیروی انتظامی است. نیروی انتظامی در مسئولیت خود که ایجاد امنیت است، مظهر حاکمیت جمهوری اسلامی است. یعنی جزو وظایف جمهوری اسلامی این است که در جامعه امنیت ایجاد کند. امنیت اخلاقی، امنیت اجتماعی - همان‌طور که شرح دادید - جزو وظایف ما است؛ جزو وظایف جمهوری اسلامی است؛ نمیتوانیم اینها را رها کنیم. مظهر این امنیت و عامل وسط میدان این امنیت عبارت است از نیروی انتظامی؛ بنابراین بایستی اقتدار داشته باشید؛ باید بتوانید مقتدرانه عمل کنید؛ باید بتوانید با قاطعیت عمل کنید. منتها نکته‌ی کار این است که اقتدار را با ظلم نباید اشتباه کرد؛ اقتدار را با حدمرز نشناختن و بی‌مهاری حرکت کردن نباید اشتباه کرد.

□